



عکس: رضا مستندی

مدیریت با چاشنی هنر

گپ و گفتی با علیرضا مدبری
مدیر دبستان پسرانه سما مشهد

شعر گفتن را از چه زمانی آغاز کرده‌اید؟

○ خداوند از همان سال‌های اولیه نوجوانی به من ذوق شاعری هدیه کرد. یادم هست اولین بار که شعر گفتم، دانش‌آموز سال سوم متوسطه در رشته فرهنگ و ادب بودم. اولین شعر من با عنوان «هجرات امام» درباره ارتحال حضرت امام (ره) بود که آن سال در مسابقات دانش‌آموزی رتبه اول را در شهرستان گناباد به‌دست آورد.

تعریف شما از مدیریت چیست؟

○ تعریف من از مدیریت، رهبری است. مدیر مدرسه باید یک رهبر خوب باشد و خوب رهبری کند. منظورم از رهبری خوب این است که کارها را میان کارکنان مدرسه طوری تقسیم کند که کار خودش فقط هدایت و رهبری باشد. مدیر مدرسه نباید مجری همه کارها بشود؛ زیرا اگر مجری همه کارها باشد، نظارت و هدایت او کم‌رنگ خواهد شد.

من در سال‌های اول که مدیر یک مدرسه راهنمایی در تربت جام بودم، فکر می‌کردم که بیشتر کارها را خودم باید انجام دهم و دیگران شاید نتوانند آن کاری را که من می‌خواهم انجام دهند. بنابراین، نقش اصلی را در اجرای کارها خودم ایفا می‌کردم، ولی بعداً متوجه شدم که با این روش از خیلی از کارهای مدیریت جا می‌مانم. به اعتقاد من، تقسیم کار درست، راهنمایی عالمانه و

علیرضا مدبری، مدیر دبستان ابتدایی پسرانه سما در مشهد است. او در سال ۱۳۵۱ در کافک گناباد متولد شده و دارای مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی و دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است.

مدبری از سال ۱۳۷۶، فعالیت آموزشی خود را در تربت جام آغاز کرده و دارای ۱۹ سال سابقه کار (آموزشی، مدیریتی و اداری) است. او شعر نیز می‌گوید و معتقد است کار مدیریت مدارس با زبان شاعری و هنر بهتر پیش می‌رود.

گفت‌وگویی هم‌کار مجله «نصرالله دادار» با ایشان را بخوانید تا ببینید که هنر چگونه می‌تواند به مدیران کمک کند.

نظارت دقیق می‌تواند موفقیت مدیر را تضمین کند؛ نه تنها در کار مدیریت مدرسه بلکه در هر نوع کار مدیریتی.

بین هنر و مدیریت چه ارتباطی قائل هستید؟

هنر، عشق، علاقه و خلاقیت حاصل یک روحیه لطیف است. آمیخته شدن خلاقیت و روحیه لطیف می‌تواند تأثیر خوبی در مدیریت داشته باشد؛ مثلاً من در زمانی که معلم یا مدیر مدرسه بودم، برای شعرهایم آهنگ‌سازی می‌کردم و سرود طراحی می‌کردم و با بچه‌های مدرسه و کلاس گروه سرود تشکیل می‌دادم که تأثیر آن در کلاس و مدرسه خیلی زیاد بود و در مسابقات فرهنگی هنری آموزش و پرورش هم مقام‌های خوبی کسب می‌کردیم.

من چند شعر با عنوان «معدن تقواست علی(ع)»، «امام مهربانی جز علی(ع) نیست» و «دهه فجر» داشتم که روی آن‌ها آهنگ ساخته بودم و آن‌ها را در مدرسه و بیرون از مدرسه با بچه‌ها اجرا می‌کردیم. این کار اثر بسیار خوبی در روابط من با بچه‌ها، کارکنان و معلمان مدرسه داشت؛ چون یک فضای هنری معنوی ایجاد می‌کرد که موجب نزدیکی ما به هم می‌شد. همه ما از بودن با هم لذت می‌بردیم. همین فضا موجب می‌شد که همکاران، معلمان و بچه‌ها با مشارکت در کارهای مدرسه، آن‌ها را بهتر انجام دهند. من درس «دهقان فدakar» را به صورت شعر درآورده بودم که این کار موجب شده بود بچه‌ها این درس را بهتر یاد بگیرند.

یک روز سرد پاییز
دهقان به خانه می‌رفت
خورشید خوب و زیبا
نزدیک لانه می‌رفت
دانی تو نام او را
آن مرد ریزعلی بود
فامیل ریزعلی هم
آقای خواجه‌بوی بود
در دست خسته او
فانوس بود آنجا
نور ضعیف فانوس
از دور بود پیدا
این داستان جالب
در اصل واقعی بود
کار بزرگ دهقان
از خود گذشتگی بود

می‌خواهم بگویم که فضا، جو روانی و روابط عاطفی و معنوی بر پیشبرد هر کاری مؤثر است. چه کار مدیریتی باشد، چه کار معلمی.

مدیری که خلاقیت و روحیه هنری یا روحیه لطیف دارد، بهتر می‌تواند با دانش‌آموزان، معلمان، کارکنان و اولیا ارتباط صمیمی برقرار کند؛ تا اینکه بخواهد با عصبانیت و اخم آن‌ها را مجبور به انجام دادن کاری کند.

من قبل از اینکه معلم بشوم، یک کار آزاد داشتم. همان زمان هم یک بیت شعری را که روی تخته سیاه دانشگاه نوشته شده

بود، با خط خوش نوشته بودم و بالای سرم در محل کارم نصب کرده بودم:

نیکی کن و خوشحال باش به آرامش وجدان
بگذار بگویند فلانی بد دنیااست

این همواره الگویی برای من در مسیر کارم بوده است و هر جا که رفته‌ام این شعر را بالای سرم نصب کرده‌ام. وقتی هم که به آموزش و پرورش آمدم، این شعر را در مدرسه نصب کردم و آن، سرلوحه و ملاک من برای انجام کارها بود. همین کارها موجب شد که اولیا همواره به من ابراز محبت کنند.

من معتقدم برقراری ارتباط صمیمی با اولیا، دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان در فضای هنری و شعر و شاعری و عاطفی بهتر برقرار می‌شود. همین نکته باعث می‌شود که آن‌ها بهتر و بیشتر به وظایفی که برعهده دارند، عمل کنند؛ کارها در این فضا بهتر پیش می‌رود و موفقیت زودتر حاصل می‌شود. کارکنان مدرسه، معلمان و اولیا در حقیقت کمک و یار مدیر در انجام کارها هستند. نکته دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که یکی از آثار پربرکت و خوب هنر این است که مانع فرسودگی و خستگی مدیر در انجام وظایفش می‌شود. چون او با عشق و علاقه کار می‌کند و عشق و علاقه، نیروبخش است.

مهم‌ترین مسئله‌ای که امروز مدیران مدارس با آن روبه‌رو هستند، چیست؟ شما برای حل این مسئله چه کرده‌اید؟

به نظر من، امروز همه امکانات برای ارائه آموزش خوب فراهم است. معلم خوب، محتوای کتاب‌های درسی خوب، برنامه‌ها و ...

تنها نگرانی‌ای که امروز برخی از مدیران یا معلمان مدارس دارند، تداوم تغییر و نبود ثبات در نظام آموزشی است. تغییرات متعدد در آموزش و پرورش نگران‌کننده شده است. هنوز عده‌ای از معلمان، ارزشیابی توصیفی را به طور کامل نپذیرفته‌اند و مدیران باید آن‌ها را درست توجیه کنند.

یکی از کارهایی که مدیران می‌توانند برای حل این مشکلات انجام دهند، این است که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را خوب بخوانند و شرایطی را برای معلم، دانش‌آموز و اولیای آن‌ها فراهم کنند که آن‌ها هم به جزئیات این سند اشراف داشته باشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر، به آن‌ها خوب عمل کنند و نتیجه خوب بگیرند.

امروز رشد و یادگیری بچه‌ها در دوره ابتدایی، نسبت به نظام قدیم خیلی بهتر شده و سرعت یادگیری آن‌ها بالا رفته است. پس، اصل طرح خوب است؛ فقط باید در اجرای آن خیلی دقت کنیم و همکاران و معلمان و اولیا را درست توجیه نماییم.

همان‌طور که خوش خطی یک معلم و یا خوش صدایی او باعث می‌شود فرایند تدریس وی اثربخش‌تر و جذاب‌تر شود، یک مدیر نیز می‌تواند با داشتن یک مهارت ویژه و یک برجستگی اجتماعی مانند شاعری، نوازندگی، خوش صدایی، و سابقه پهلوانی و ... در بین کارکنان خویش جذابیت خاصی داشته باشد. لذا توصیه می‌شود مدیران در کسب مهارت‌های بالای اجتماعی خویش بکوشند.

